

# مردم ایران و دهمین دوره انتخابات «ریاست جمهوری نظام اسلامی»

در باره انتخابات تا کنون بحث های زیادی در ایران و خارج از کشور صورت گرفته است. قصد من در این جا نه تکرار این مباحث بلکه اشاره به چند نکته ایست که توجه بیشتر بدان ها از سوی اپوزیسیون دموکرات و آزادیخواه خالی از فایده نیست.

نخست لازم است به این مسئله اشاره کنم که به نظر من نیزموضع درست، همانطور که در اطلاعیه جمهوری خواهان دموکرات و لائیک-واحد پاریس آمده است عدم شرکت در چنین انتخاباتی می باشد. به دو دلیل: اول بخاطر غیر دموکراتیک و مدیریت شده بودن آن، دوم به دلیل پاسخگو نبودن باصطلاح برنامه های انتخاباتی ارائه شده از سوی کاندیداها. این ها کاندیداهای نظام مستقر، یعنی تنها بخش کوچکی از جامعه هستند. این چهار تن از گردانندگان اصلی نظام بوده و در تمامی مصائبی که از قبل دیکتاتوری مذهبی حاکم به سر مردم و جامعه ما آمده و آنرا در موقعیت اسفبار کنونی قرار داده مسئولیت دارند. آنها همانطور که خود گفته و می گویند درد نظام دینی مستقر، و نه درد مردم، مشغله اول آنهاست. در حالیکه تجربه سی سال گذشته بروشنی نشان داده است که راه غلبه بر مشکلات عدیده و اساسی مردم و راه تحول و پیشرفت جامعه ما گذار قطعی از نظام دینی و غیر عادلانه و مبتنی بر تبعیض کنونی به نظامی دموکراتیک است و...

روی دیگر مسئله اما، بررسی مرحله کنونی رشد جنبش و درک مشکلات حی و حاضر جنبش و مردم از سوی اپوزیسیون است. باید وضع 70 میلیون مردمی که بالاجبار تحت حکومت ملاها، قانون اساسی و دیگر قوانین و شیوه های حکومتی قرون وسطایی و مبتنی بر سرکوب و تبعیض و بی عدالتی و نابرابری حقوق شهر وندی، در آشکارترین و گسترده ترین شکل ممکن و... زندگی می کنند را درک کرد. مردمی که زیر بار مشکلات سنگین زندگی کمر خم کرده و با پوست و گوشت و در هر لحظه از زندگی خویش با عوارض اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اخلاقی دیکتاتوری آخوندی بویژه در چهار سال گذشته دست بگریبانند. مردم خسته ورنجدیده ای که آلترناتیو دموکراتیک مورد اعتمادی نیز در مقابل خود حد اقل در حال حاضر مشاهده نمی کنند حق دارند به گونه ای متفاوت برخورد کنند. یعنی اگر قدرت گذار از این نظام به نظامی دموکراتیک، عادلانه

و مبتنی بر تفکیک دین از دولت و بر پایه حقوق بشر را در حال حاضر ندارند در کادر همین نظام برای بهبود وضع خود، و حتی جلوگیری از بدتر شدن آن، مبارزه کنند. انتخابات برای تعیین رئیس‌جمهور نظام یکی از عرصه‌های مهم این مبارزه است؛ حتی اگر مطابق قوانین ارتجاعی حاکم، این انتخاب از میان رجال، مسلمانان شیعه اثنی‌عشری، معتقدان به قانون اساسی و پیروان ولایت مطلقه فقیه‌ای که باید از فیلتر شورای نگهبان هم عبور کرده باشند صورت می‌گیرد.

توجه بدین مسئله مخصوصاً در این دوره از انتخابات آخوندی اهمیت بیشتری یافته است. چرا که اولاً تحت تاثیر رشد جنبش‌های اجتماعی و جامعه مدنی، جنبش مطالبه محوری تا بدانجا رشد کرده که کاندیداها نظام نیز بناگزیر به انعکاس بخش‌های چند کوچکی از مطالبات مردم در برنامه‌های خود اقدام کرده‌اند. دوماً وجود اختلاف در رأس هرم حکومت و در میان جناح‌های مختلف آن بر سر نحوه اداره کشور بیش از هر دوه‌ای عمل می‌کند.

بر خلاف نظر برخی از دوستان وجود اختلافات در میان هیئت حاکمه و کاندیداها و آنها واقعی است؛ این اختلافات و نحوه حل آنها در کاهش هر چند ناچیز مشکلات روزمره مردمی که زیر تیغ رژیم زندگی می‌کنند یا افزایش آنها، مؤثر است. بخشی از هیئت حاکمه بروشنی نظام اسلامی و شیرازه آنرا در مسیر فروپاشی می‌بیند و علاوه بر قدرت طلبی از سر دفاع از نظام است که وارد کارزار انتخاباتی شده است و از سر فشار و با درک اوضاع انفجاری جامعه نیم‌نگاهی به مطالبات مردم دارد. این فشار تا حدی پیش‌رفته که شیخی نظیر کروی با آن سوابق در پذیرش حکم حکومتی و... بنا به توصیه مشاورین خود، وعده اصلاح قانون اساسی و رعایت حقوق شهروندان یا اقوام را سر می‌دهد.

از سوی دیگر چه به دلیل تحولات بوقوع پیوسته در سطح جامعه و چه به علت تندوتیز شدن اختلافات در سطح هیئت حاکمه، با وجود غیردموکراتیک بودن انتخابات و عدم همخوانی آن با موازین شناخته شده بین‌المللی، و با وجود فراهم بودن زمینه‌های بی‌شمار برای انجام تقلبات گسترده مخصوصاً از سوی دستگاه‌های نظامی- بسیجی- امنیتی به نفع احمدی‌نژاد، اما نتیجه این انتخاب از پیش روشن نیست. یعنی نمی‌توان آنرا بر خلاف نظر برخی دوستان، همچون زمان شاه یا صدام حسین یا حافظ اسد یا تعداد دیگری از رژیم‌های دیکتاتوری، فرمایشی خواند. اینکه انتخاب محدود به دایره خودی‌ها و معتقدان به نظام و قانون اساسی و ولی فقیه و... است یک چیز است و فرمایشی خواندن آن چیز دیگر. به همین دلیل هم است که بخش‌هایی از مردم، بدون کمترین اعتقاد به سیستم حاکم، در شرایط فقدان آلترناتیوی دموکراتیک، نیرومند و قابل اعتماد، موضوع شرکت در این انتخابات بقصد تأثیر

گذاري، با همه محدوديت هاي دموکراتيک آن، براي شان مطرح است. اين حق دموکراتيک مردم را بايد بروشنی برسميت شناخت.

اپوزيسيون دموکرات و آزاديخواه ايران نمي تواند نسبت به اين وضعيت، نسبت به دشواري رو به ترايد زندگي مردم، مشکلات و انتظارات بلافاصله آن ها واستقبال آنها از هر تبيري هر چند کوچک، بي تفاوت بماند و به نيابت از مردم به برخورد هاي کلي و شعاري اکتفا کند. برخورد هاي اين چنيني قبل از آنکه سبب افزايش اعتبار اپوزيسيون دموکرات گردد ميزان جدي بودن آن را زير سؤال قرار مي دهد.

اپوزيسيون دموکرات و آزاديخواه ايران مي توانست ومي تواند به موازات اعلام موضع عدم شرکت خود در چنين انتخابات غير دموکراتيک و مديريت شده اي، به حمايت از جنبش رو به رشد مطالبه محور در سطح جامعه پردازد وبمنظور ارتقاسطح مطالبات، در سطحي گسترده تر وارد گفت و گو و ديالوگ با فعالين جنبش هاي اجتماعي و مدني گردد؛ درچنين روندی و با شرکت فعال در فرايند همين انتخابات نشان دهد که در کادر نظام ديني وساختار سياسي مبتني بر قانون اساسي آن، که بر پايه تبعيض در تمامي زمينه و دادن نقش منحصر بفرد به ملا ها وولي فقيه آنهاستوار است، وبرنامه هاي هر چهار کانديداي نظام نيز طبعاً در چنين چهارچوبي است، غلبه بر بحران هاي ساختاري و دستيابي به مطالبات اساسي مردم غير ممکن است. در چنين فضا ها و گفت و شنود هايي، با مخاطبين جديد وجديد تري است که مي شود يکبار ديگر اهميت و ضرورت گذار از نظام مستقر به نظامي دموکراتيک وعادلانه از طريق دموکراتيک، با تکیه بر جنبش هاي اجتماعي و با دامن زدن به مقاومت مدني، با توسل به انتخابات آزاد وبر اساس معيار هاي شناخته شده بين المللي رادر سطح گسترده تري مطرح کرد وعوارض ناشی ازتکرار دور باطل اتخاب بين بد و بد تر را از زوایاي مختلف باز کرد و...در عين حال، به موازات آن، با درک انبوه دشواري هاي ناشی از زندگي مردمی خسته و عاصي وبجان آمده از تبعيضات و نابرابري هاو...تحت رژيم ملا ها، با درک تقلاي اين مردم براي کاهش فشار ها در کادرهمين نظام موجود، در شرايطي که بدلايل مختلف آلترناتيوي دموکراتيک و نيرو مند و قابل اعتماد نيز در مقابل خود مشاهده نمي کنند، به بررسي نحوه تصميم گيري مستقلانه اقشار مختلف مردم با اين انتخابات، که طبيعتاً به تناسب شناخت خود از اوضاع، مطالبات وراه هاي دستيابي بدان ها صورت مي گيرد اقدام کرد. همين بررسي هاي مشخص و مستند و درس گيري از آنهاست که مي تواند جريانات اپوزيسيون را در زمينه تصحيح و تکميل تحليل ها وجستجوي راه ها وروش ها وسياست هاي جديد مبارزاتي وکاربست آنها،در

برداشتن گام های واقعی در مبارزه بر علیه نظام قرون وسطایی مسلط و برای استقرار آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران یاری رساند.

19 خرداد 1388